

## Rural-Urban Differences in Teenage Marriage and High School Dropout of Girls in Iran

Sara Beiranvand<sup>1</sup>, Seyed Ahmad Firouzabadi<sup>2\*</sup>, Rasoul Sadeghi<sup>3</sup>

### Abstract

Teenage marriage is an important and key determinant of high school dropout of girls. This article using quantitative and qualitative data, explores the drivers and reasons for girls drop out of school, with an emphasis on the role of early marriage. In the quantitative section, the secondary analysis of the micro-census data for 2016 and in the qualitative part, in-depth interview and ethnographic approach in Shahnabad region of Lorestan province have been used. The results showed that the prevalence of school dropout among 15-17-year-old girls in rural areas is about three times that of urban areas. A large part of rural-urban differences in girls drop out of school is due to the higher prevalence of teenage marriage in rural areas. Logistic regression analysis showed that married girls are more likely to drop out of school than never-married girls. The results of the qualitative data also showed several factors such as family factors (escape from a disordered family, parents' addiction, parents' lack of attention to girls' education and parents' authority and strictness), economic (poverty and deprivation), social (fear of remaining single, peer influence and gender inequality) and cultural (preserving reputation, escape from social pressures and lack of access to educational centers) are important drivers of teenage marriage and school dropout of rural girls.

**Keywords:** Teenage marriage, School dropout, Rural-urban differences, Gender inequality, Logistic regression.

---

Received: 2022-06-16

Accepted: 2022-11-30

1. MA in Rural Development Studies, University of Tehran, Tehran, Iran; [sarabiravand@yahoo.com](mailto:sarabiravand@yahoo.com)

2. Associate professor of Social Development, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author); [afirouzabadi@ut.ac.ir](mailto:afirouzabadi@ut.ac.ir)

3. Associate professor of Demography, University of Tehran Tehran, Iran; [rassadeghi@ut.ac.ir](mailto:rassadeghi@ut.ac.ir)

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.555905.1234>

## تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دییرستان)

سارا بیرانوند<sup>۱</sup>، سیداحمد فیروزآبادی<sup>۲</sup>، رسول صادقی<sup>۳</sup>

### چکیده

ترک تحصیل دختران تحت تأثیر عوامل و بسترهای متعددی رخ می‌دهد. در این میان، ازدواج زودهنگام تعیین‌کننده مهم و کلیدی است. این مقاله با استفاده از داده‌های کمی و کیفی به کندوکاو پیشران‌ها و بسترهای ترک تحصیل دختران با تأکید بر ازدواج زودهنگام می‌پردازد. در بخش کمی، از تحلیل ثانویه داده‌های سطح فردی سرشماری ۱۳۹۵ و در بخش کیفی از مصاحبه عمیق و رویکرد مردم‌نگارانه در منطقه شهین‌آباد لرستان استفاده شده است. نتایج نشان داد شیوع ترک تحصیل دختران ۱۵-۱۷ ساله در مناطق روستایی حدود سه برابر مناطق شهری است. بخش زیادی از تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران ناشی از شیوع بیشتر ازدواج زودهنگام در مناطق روستایی است. نتایج رگرسیون لوجستیک نشان داد دخترانی که ازدواج کرده‌اند بیشتر از افراد ازدواج نکرده احتمال ترک تحصیل دارند. نتایج بخش کیفی مطالعه نیز نشان داد عوامل متعددی نظیر عوامل خانوادگی (فرار از خانواده نابسامان، اعتیاد والدین، عدم توجه والدین به تحصیل دختران، اقتدار و سخت‌گیری والدین)، اقتصادی (فقر و محرومیت)، اجتماعی (ترس از مجرد ماندن، نفوذ همسالان، نابرابری جنسیتی) و فرهنگی (حفظ آبرو، فرار از فشارهای اجتماعی، عدم دسترسی به مراکز آموزشی)، بسترها و پیشران‌های مهم ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل دختران روستایی می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** ازدواج زودهنگام، ترک تحصیل، تفاوت‌های روستا-شهری، نابرابری جنسیتی، رگرسیون لوجستیک.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه محلی- گرایش روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ [sarabiravand@yahoo.com](mailto:sarabiravand@yahoo.com)

۲ دانشیار جامعه‌شناسی، گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ [afirouzabadi@ut.ac.ir](mailto:afirouzabadi@ut.ac.ir)

۳ دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ [rassadeghi@ut.ac.ir](mailto:rassadeghi@ut.ac.ir)

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.555905.1234>

## مقدمه و بیان مسأله

دلایل متعددی که بیشتر آنها در نهاد خانواده، فرهنگ و ترکیب فقر و تبعیض جنسیتی است، ازدواج زودهنگام دختران را تسهیل کرده است. ازدواج زودهنگام در بستری مردسالارانه رخ می‌دهد که برتری قدرت مردان را به صورتی مشروع و پذیرفته شده باز می‌تاباند و با خشونت‌های سراسر بین، ارزش‌زدایی از زنان و درمقابل، تعریف ارزش افزوده برای پسران، برساخته می‌شود (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸). برخی بر این باورند که ازدواج زودهنگام دختر ممکن است یک عامل محافظتی در برابر شروع رابطه جنسی زودهنگام، از دست دادن باکرگی داشته باشد، عواملی که اگر محافظت نشود، بر آبرو و حیثیت خانواده تأثیر می‌گذارد (Bengesai et al., 2021). همچنین، ازدواج زودهنگام در بستری رخ می‌دهد که سنت ازدواج زودهنگام از طریق یادگیری اجتماعی، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و این پدیده از مقولاتی چون همسانی نسل‌ها در امر ازدواج و نقش پررنگ مادران در تربیت فرزندان و انتقال ارزش‌ها، برساخت شده است. به‌گونه‌ای که زمان و شکل ازدواج‌ها، به دلیل تسلط تفکرات اجتماعی سنتی، تفاوت‌های بین‌نسلی محسوسی را نشان نمی‌دهد و جامعه‌پذیری نیز به‌عنوان عاملی مهم، به تثبیت این امر کمک کرده است (روحانی و همکاران، ۱۳۹۸).

یکی از مهم‌ترین پیامدهای ازدواج زودهنگام دختران، ترک تحصیل است. ترک تحصیل در دوران آموزش عمومی بازتاب مسائل و مشکلات پیچیده موجود در جامعه است. بازماندن از تحصیل دختران ممکن است در عدم توفیق در امتحان و محرومیت از ارتقاء یا در نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد (معیری، ۱۳۷۶). هر قدر نوجوانان بتوانند تجارب آموزشی را در خلال دوره نوجوانی کسب نمایند، بهتر می‌توانند آماده رویارویی با چالش‌های زندگی در دوره بزرگسالی باشند. ترک تحصیل زودهنگام یک رخداد «زودرس کاذب» است که نوجوان را زودتر از موعد درگیر نقش‌های بزرگسالی می‌کند (Battin-Pearson et al., 2000). دخترانی که در سن کودکی ازدواج می‌کنند اشکال مختلفی از خشونت‌ها را به صورت همزمان تجربه می‌کنند. همچنین ازدواج‌های زودهنگام در سنینی رخ می‌دهد که افراد در آن به مرحله بلوغ فکری و عقلانی نرسیده‌اند، بنابراین زوجین در انتخاب شریک زندگی خود نمی‌توانند هیچ

نقشی ایفا کنند، به طوری که پس از گذشت مدتی و به علت ناتوانی در اداره زندگی تصمیم به طلاق و جدایی می‌گیرند. به علاوه، ازدواج کودکان بر مناسبات اجتماعی و فردی آنها و در نهایت جامعه تأثیر می‌گذارد. الزامات ازدواج در سنین پایین اغلب منجر به جدایی از خانواده، دوستان و تعلقات، از دست دادن آزادی، تعامل با همسالان و استفاده از فرصت‌های آموزشی می‌شود. اکثریت این دختران پس از ازدواج ترک تحصیل می‌کنند.

انگیزه ادامه تحصیل در میان دانش‌آموزان دختران در مناطق روستایی بسیار پایین است. فضای بسته حاکم بر روستا و امکانات محدود آن جایی برای تحصیل و اشتغال دختران ندارد و تمام آینده دختران در کارهای مربوط به خانه‌داری خلاصه می‌شود. بنابراین از سر ناچاری و نداشتن انگیزه و امیدی برای داشتن آینده‌ای متفاوت و توانایی شکوفا کردن استعدادها خود در محیط دانشگاه یا محل کار، تصمیم به ازدواج در سنین نوجوانی می‌گیرند (احمدی، ۱۳۹۶).

در این مقاله، ابتدا با استفاده از داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم با تأکید بر نقش ازدواج بررسی شده است. سپس، برای تحلیل عمیق‌تر پیامدهای ازدواج در سنین پایین نتایج مطالعه کیفی در منطقه شهن‌آباد واقع در استان لرستان ارائه می‌شود. سوال اصلی پژوهش نیز این است که تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم چگونه است؟ و در تبیین این تفاوت‌ها ازدواج زود هنگام تا چه اندازه نقشی دارد؟

### پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در داخل کشور به بررسی ابعاد و زوایای ترک تحصیل دختران و ازدواج زود هنگام آنها پرداخته‌اند. برای مثال، کرد زنگنه (۱۳۹۰) در «بررسی میزان و عوامل موثر بر ازدواج زودرس در ایران» نشان داد که نسبت ازدواج زود هنگام زنان ایرانی در سال ۱۳۵۰ برابر ۷۵.۵ درصد بوده و این نسبت در سال ۱۳۶۰ به ۶۶.۲ درصد، در سال ۱۳۷۰ به ۳۲.۱ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۲۳.۲ درصد کاهش یافته است. اگرچه در برخی از سال‌ها ازدواج زود هنگام نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است ولی در یک روند کلی نسبت ازدواج زود هنگام زنان

ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ یک روند کاهشی داشته است. تحلیل چندمتغیره در این مطالعه نشان داد که متغیر تحصیلات زنان، دوره ازدواج، قومیت، نسبت خویشاوندی با همسر، وضعیت اشتغال در زمان ازدواج، محل سکونت و تحصیلات همسر به ترتیب بیشترین نقش را در تبیین ازدواج زودهنگام داشته‌اند.

فرضی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی» که با روش تحقیق کیفی انجام شده است به نتایجی دست یافتند مبنی بر اینکه مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در تصمیم‌گیری برای ترک تحصیل دختران در روستا موثر است. عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تاکید بر ازدواج زودهنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج دختران از منزل، و تبعیض میان فرزند دختر و پسر که همگی در نهادهای غیر رسمی اجتماع محلی ریشه دارند، از جمله موانع تحصیل دختران روستایی می‌باشند. افتخارزاده (۱۳۹۴) در مطالعه «تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام» نشان داد که ازدواج زودهنگام می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی مهم‌ترین عوامل رخداد ازدواج زودهنگام در نمونه مورد مطالعه بوده است. مضمون‌های استخراج شده در این مطالعه نشان داد که زنان در ازدواج زودهنگام با مشکلات متعددی روبرو هستند. صفوی و مینایی (۱۳۹۴) در مطالعه «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر درآران بیدگل» به این نتیجه رسیدند که زنان مورد بررسی در فرایند انتخاب همسرشان دخیل نبوده و به رشد کافی عقلی نرسیده بودند، و لذا ازدواج‌شان در حقیقت توافقی میان والدین دختر و پسر بوده است؛ بنابراین این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن را نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و هم‌چنین روابط شخصی، نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیان‌شان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند.

در مطالعات خارجی نیز این موضوع در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، ساویتری‌دینا<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در بررسی «عوامل و پیامدهای ازدواج زودهنگام در جاوه اندونزی» نشان داد که مجموعه‌ای از سنت‌های فرهنگی بر سن ازدواج دختران در جاوا تأثیرگذار است. مثلاً دختری که ۱۷ سال داشته و هنوز ازدواج نکرده باشد به او «دوشیزه پیر» گفته می‌شود که مایه شرمساری خانواده می‌باشد. این امر والدین را تشویق می‌کند که دختران‌شان را بلافاصله بعد از اولین دوره قاعدگی شوهر دهند. علاوه بر این، از عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج، تحصیلات، نقش والدین در انتخاب همسر، قانون‌گذاری در زمینه تعیین حداقل سن ازدواج، محل سکونت، دین، اشتغال، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، تحصیلات و شغل شوهر می‌باشد.

چودهاری<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) مطالعه‌ای در زمینه «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر ازدواج کودکان در مناطق روستایی بنگلادش» انجام داد که نتایج آن نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام بیشتر به این علت در بنگلادش اتفاق می‌افتد که برای خانواده‌ها سودآور است. روبی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی «موانع تحصیل دختران در سطوح خانوار و اجتماع در موزامبیک» به این نتیجه رسیدند که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی، بر تصمیم خانواده برای تحصیل دختران مؤثر است. این عوامل عبارتند از: فقدان یا ضعف آموزش در خانواده، موانع مالی، فاصله تا مدرسه (خطرهای مسیر مانند تجاوز، دزدی و برداشتن اعضای بدن)، نیاز به دختران برای نگهداری فرزندان کوچک یا انجام کارهای خانه (هزینه فرصت)، ازدواج زودهنگام (که هم به پرداخت مبلغی به خانواده نوعروس می‌انجامد و هم مدت زمان نگهداری از دختر و میزان هزینه‌های پرورش او را در خانواده کاهش می‌دهد)، باور والدین به عدم فایده‌مندی آموزش برای دختران و نگرانی از یادگیری برخی موضوعات نامطلوب در مدرسه از طریق دوستان. بنگاسی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۱) نیز با استفاده از داده‌های پیمایش جمعیت

---

1 Savitridina

2 Chowdhury

3 Roby

4 Bengesai

و سلامت سال ۲۰۱۵ موزامبیک به بررسی تاثیر ازدواج دختران بر تکمیل آموزش متوسطه پرداخت. نتایج نشان داد که ازدواج دختران که عمدتاً در سنین ۲۲-۱۵ سال متمرکز است موجب کاهش شانس تکمیل تحصیلات متوسطه می‌شود. از اینرو، ازدواج دختران مانع مهمی بر سر راه پیشرفت آموزشی و تکمیل تحصیلات است.

از اینرو، پژوهش‌های مورد اشاره هرکدام سعی در نشان دادن زوایای پنهانی از ترک تحصیل دختران دارند. تفاوت این پژوهش با مطالعات قبلی این است که در پژوهش حاضر تمرکز بر تحلیل تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران با تاکید بر ازدواج زود هنگام با استفاده از داده‌های کمی و کیفی است.

### ملاحظات نظری

مطابق «نظریه برابری جنسیتی»، زنان جزئی از سیستم کلان اجتماعی هستند و مجرد یا تأخیر در ازدواج آنها نیز تابع عواملی است که از طریق سیستم به آنها تحمیل می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان زنان را به صورت انتزاعی و به دور از اجزاء دیگر نظام اجتماعی مورد بررسی قرار داد. تبعیض جنسیتی نشان می‌دهد که زنان و مردان در جامعه نسبت به یکدیگر از جایگاهی متفاوت و نابرابر برخوردار هستند. در مناطق روستایی، در تمام زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، نابرابری زیادی بین دو جنس وجود دارد (احمدی، ۱۳۹۶). در «نظریه مبادله» هومنز و بلاو<sup>۱</sup>، انسان‌ها همواره به ارزیابی هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج می‌پردازند. در جوامع سنتی (روستایی) و کمتر توسعه‌یافته فرزندان به خصوص فرزند دختر برای والدین بیشتر نقش مصرف کننده و بار اضافی دارد و به عنوان یک سربار اقتصادی تلقی می‌شوند علاوه بر این بسیاری از این دختران نوجوان پرورش داده شده‌اند تا زود ازدواج کنند و تمام طول زندگی شان را صرف کارهای خانگی کنند. بسیاری از خانواده‌ها در جوامع سنتی بر این باورند که سرمایه‌گذاری بر تحصیلات یک دختر اتلاف هزینه است همچنین بازه اقتصادی تحصیل

دختر بچه‌ها از نظر والدین اندک است. والدین از این واقعیت آگاهند که مزد حاصل از مهارت‌های زنان کمتر از مردان است و همین در تصمیم آن‌ها برای عدم سرمایه‌گذاری روی کودکان دختر تاثیر می‌گذارد. بنابراین، براساس نظریه مبادله می‌توان ادعان داشت که افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد یعنی بتوانند از طریق ازدواج پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ترقی دهند و زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید پدیده‌ای به نام تاخیر در ازدواج در جامعه پدیدار می‌شود.

بر اساس «نظریه‌ی قومی-فرهنگی»، نهادهای غیررسمی ریشه دار، نقشی تعیین کننده در زندگی روستاییان دارند. حفظ آبرو دلیل بسیار مهم و تاثیرگذاری در ترویج کودک همسری در محیط روستایی به شمار می‌آید که به اشکال مختلف نمود پیدا می‌کند. در برخی از موارد رفت و آمد زیاد یک خواستگار به خانه دختر می‌تواند منجر به ازدواج کودک شود، زیرا در غیر این صورت خانواده دختر نگران آبرو و اعتبارشان در مقابل همسایه‌ها و سایر آشنایان محلی می‌شوند. همچنین باورهای مردم درباره عدم ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران یا یادگیری مهارت، تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، باور به اولویت فرزند پسر بر دختر و در نتیجه تبعیض علیه دختران، باور به احتمال انحراف دختر و لطمه به آبرو به سبب خروج از منزل، برخی باورهای محدودکننده در این زمینه‌اند که ریشه در نهادهای غیر رسمی در روستا دارند (Chowdhury, 2004). علاوه بر این در جوامعی که ازدواج کودک شایع است، یک فشار اجتماعی در سازگار ساختن آن‌ها با فرهنگ و سنت محل سکونت وجود دارد که در صورت عدم تطابق و ناسازگاری، منتهی به تمسخر، مذمت یا شرم خانواده می‌شود. در بسیاری از موارد ادامه تحصیل این دختران برای این خانوارها با نقش خانه‌داری مغایر است، زیرا والدین بر این باورند در صورتی که دخترشان ادامه تحصیل دهند انتظارات آنان تغییر می‌کند و دیگر همسو با نقش خانه‌داری صرف نیست. همچنین تحت تاثیر سنت‌ها و هنجارهای سوگیرانه، در محیط‌هایی که ازدواج در سنین پایین عرف و مورد پذیرش است، دخترانی که سن کمتری دارند گزینه‌های مناسب‌تر و پرترفدارتری هستند و ازدواج در سنین پایین هم برای خانواده و هم



برای دختر امتیاز ویژه‌ای به حساب می‌آید که نشان‌دهنده این است که این دختر جوان خواستنی‌تر و مطلوب‌تر از سایرین است. از اینرو، تبعیت از سنت‌ها و باورها قومی و عشیره‌ای می‌تواند افراد را وادار به تطابق کند.

در نهایت، نظریه‌ی نوسازی ویلیام گودا<sup>۱</sup> بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، فناوری، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تاکید دارد و معتقد است با ورود آن‌ها به هر جامعه‌ی سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود. نظریه‌ی نوسازی تغییرات خانواده را انطباق سازمان‌یافته با تغییر در نظام اجتماعی پیرامونی در نظر می‌گیرد. بر پایه‌ی این دیدگاه نهاد خانواده، تحت‌تاثیر عناصر نوسازی، هم به لحاظ ساختی و هم به لحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). ویلیام گود (۱۹۶۳)، با طرح نظریه‌ی انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره‌ی تاثیرات فرآیند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است این فرآیند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶). از این‌رو براساس این نظریه افرادی که در نقاط شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شهری نسبت به مناطق روستایی ازدواج‌شان با تاخیر صورت می‌گیرد.

بنابراین، براساس نظریات مذکور به ویژه نظریه نوسازی، سه فرضیه در بخش کمی مطالعه مطرح و مورد آزمون قرار می‌گیرد. (۱) ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی شیوع بیشتری در مقایسه با مناطق شهری دارد. (۲) ازدواج زودهنگام دختران در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. و (۳) بخش زیادی از شیوع بیشتر ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی ناشی از شیوع بالای ازدواج زودهنگام در این مناطق باشد.

## روش و داده‌های پژوهش

در پژوهش حاضر از رویکرد روش آمیخته یا ترکیبی و داده‌های کمی و کیفی استفاده شده است. در روش کیفی، میدان مطالعه روستای شهن‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان دلفان در استان لرستان می‌باشد. با ۱۵ نفر مصاحبه بعمل آمد و در انتخاب آنها از نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد. مشخصه‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. همچنین در این تحقیق از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق با دخترانی که ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل داشته‌اند برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید. در نهایت از روش تحلیل تماتیک یا موضوعی (تحلیل درون‌مایه) برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده استفاده گردید.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی تحقیق

ردیف	اسم	سن ازدواج	سن همسر هنگام ازدواج	نحوه آشنایی	طول مدت ازدواج	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر
۱	فائزه	۱۶	۲۲	همسایه	۱.۵ سال	معلم	خانه‌دار
۲	مانده	۱۶	۲۸	همسایه	۲ سال	فوت شده	خانه‌دار
۳	مهدیه	۱۷	۳۳	پسرعمو	۳ ماه	کارمند شهرداری	خانه‌دار
۴	فریده	۱۷	۲۹	پسردایی	۲ سال	کشاورز	خانه‌دار
۵	مهسا	۱۶	۳۱	همسایه	۲ سال	معلم	خانه‌دار
۶	معصومه	۱۷	۲۸	فامیل دور	۱ سال	کشاورز	خانه‌دار
۷	فاطمه	۱۷	۲۷	معرفی شده	۳ سال	کارگر	سیکل
						عدم اطلاع	عدم اطلاع

۶۰ نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

ردیف	اسم	سن ازدواج	سن همسر هنگام ازدواج	نحوه آشنایی	طول مدت ازدواج	شغل و تحصیلات پدر	شغل و تحصیلات مادر
۸	سارا	۱۶	۲۶	آشنای خانوادگی	۱ سال	کارگر ابتدایی	خانه‌دار ابتدایی
۹	مهدیه	۱۶	۲۶	اقوام	۳ سال	کشاورز	خانه‌دار پنجم ابتدایی
۱۰	عاطفه	۱۶	۳۰	آشنای خانوادگی	۱ سال	کار در بازار سیکل	خانه‌دار اول راهنمایی
۱۱	مریم	۱۷	۲۵	آشنای خانوادگی	۳ سال	کار در بازار سیکل	خانه‌دار اول راهنمایی
۱۲	نسترن	۱۷	۲۷	همسایه	۱ سال	کشاورز ابتدایی	خانه‌دار ابتدایی
۱۳	دریا	۱۴	۲۸	آشنای دور	۲ سال	کشاورز ابتدایی	خانه‌دار بی سواد
۱۴	ساحل	۱۷	۲۵	فامیل	۱ سال	بی سواد کارگر	خانه‌دار بی سواد
۱۵	مهیا	۱۷	۲۷	همسایه	۲ سال	اول راهنمایی	خانه‌دار ابتدایی

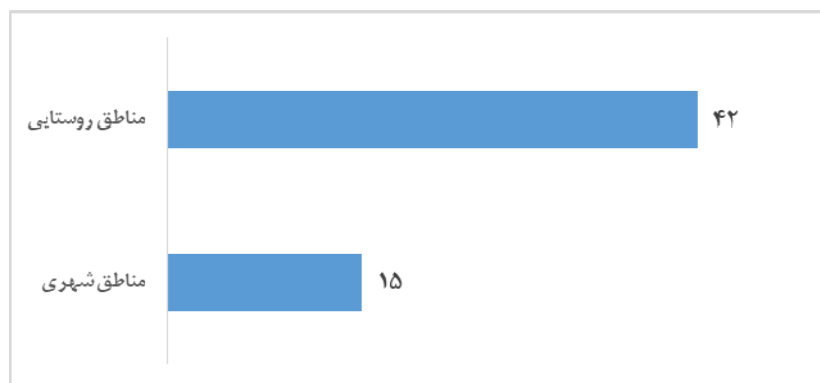
نکته: برای حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان، کلیه اسامی غیرواقعی و مستعار است.

در بخش کمی، روش مورد استفاده تحلیل ثانویه داده‌های خام نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۵ است. در اینجا، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دختران ۱۷-۱۵ ساله شهری و روستایی ساکن در ۳۱ استان کشور است. تعداد نمونه در بخش کمی مطالعه شامل ۳۱۳۴۸ نفر دختران در سنین ۱۷-۱۵ سال است. در این بخش برای تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد.

## یافته‌ها

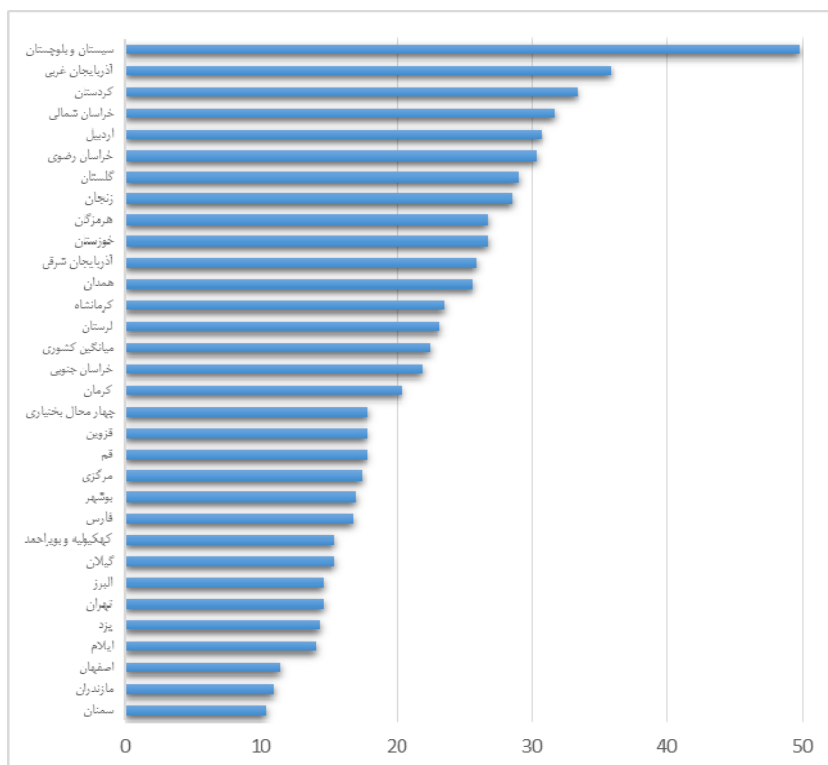
### ۱- نتایج بخش کمی

نتایج تحلیل ثانویه داده‌های نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۵ نشان داد شیوع ترک تحصیل دختران، که از طریق نسبت دختران ۱۷-۱۵ ساله که در زمان سرشماری در حال تحصیل نبودند به کل جمعیت دختران ۱۷-۱۵ ساله بدست آمد، در مناطق روستایی حدود سه برابر مناطق شهری است. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود در مناطق شهری ۱۵ درصد و در مناطق روستایی ۴۲ درصد دختران در سنین ۱۷-۱۵ سال، ترک تحصیل کرده و در زمان سرشماری مشغول به تحصیل نبوده‌اند.



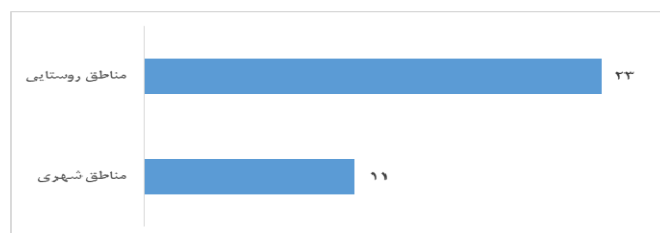
نمودار ۱- شیوع ترک تحصیل دختران ۱۷-۱۵ سال به تفکیک مناطق شهری و روستایی (%).

علاوه بر تفاوت‌های روستا- شهری در ترک تحصیل دختران، تفاوت‌های استانی چشمگیری نیز در این زمینه وجود دارد. همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد دامنه شیوع ترک تحصیل دختران ۱۷-۱۵ ساله از ۱۰ درصد در استان سمنان تا ۵۰ درصد در استان سیستان و بلوچستان در نوسان بوده است.



نمودار ۲- شیوع ترک تحصیل دختران ۱۷-۱۵ سال به تفکیک استان (%)

به‌علاوه، نمودار ۳ نشان می‌دهد که نسبت ازدواجی دختران مورد بررسی در مناطق روستایی بیش از دو برابر مناطق شهری است. براساس تحلیل داده‌های سرشماری ۱۳۹۵، ۱۱ درصد دختران شهری در سنین ۱۷-۱۵ سال ازدواج کرده‌اند اما این نسبت برای دختران روستایی ۲۳ درصد بوده است.



نمودار ۳- نسبت ازدواجی دختران در سنین ۱۵ تا ۱۷ سالگی به تفکیک مناطق شهری و روستایی (%)

بالاترین نسبت ازدواج دختران در سنین ۱۷-۱۵ سال به ترتیب مربوط به استان‌های اردبیل، خراسان رضوی و زنجان می‌باشد و در مقابل، پایین‌ترین نسبت ازدواجی در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سمنان و ایلام می‌باشد. برای مثال، نسبت ازدواجی دختران ۱۷-۱۵ سال در استان کهگیلویه و بویراحمد ۷ درصد و برای استان اردبیل ۲۶ درصد می‌باشد. از این‌رو، به نظر می‌رسد که بخش زیادی از تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران، ناشی از شیوع بیشتر ازدواج زودهنگام در مناطق روستایی باشد. برای بررسی این موضوع، از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد.

برای بررسی این موضوع، از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد. همان‌طور که در مدل ۱ جدول ۲ مشخص است دختران ساکن در روستا ۳.۹ برابر احتمال بیشتری دارد که در مقایسه با دختران شهری ترک تحصیل کرده باشند. احتمال ترک تحصیل بیشتر دختران روستایی با ورود متغیر وضعیت ازدواجی از ۳.۹ برابر به ۲.۷ برابر در مدل ۲ کاهش می‌یابد. از این‌رو، بخشی از تفاوت‌های روستا-شهری در ترک تحصیل دختران ناشی از شیوع ازدواج زودهنگام دختران در مناطق روستایی می‌باشد. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد دخترانی که ازدواج کرده‌اند حدود ۱۷ برابر بیشتر از افراد ازدواج نکرده احتمال ترک تحصیل دارند. از این‌رو، ازدواج عامل بسیار مهمی در ترک تحصیل دختران است. دو متغیر محل سکونت و وضعیت ازدواجی در مجموع، ۳۵ درصد احتمال ترک تحصیل دختران را تبیین کرده‌اند.

جدول ۲. آزمون رگرسیون لجستیک رابطه محل سکونت و وضعیت ازدواجی با احتمال ترک تحصیل

دختران ۱۷-۱۵ سال

مدل ۲			مدل ۱			
Sig.	Exp(B)	B	Sig.	Exp(B)	B	
						محل سکونت
۰.۰۰۱	۲.۷۵۹	۱.۰۱۵	۰.۰۰۱	۳.۹۴۳	۱.۳۷۲	شهر (مرجع) روستا
						وضعیت ازدواجی
۰.۰۰۱	۱۷.۵۸۵	۲.۸۶۷				ازدواج نکرده (مرجع) ازدواج کرده
	۳۵.۱٪			۱۰.۸٪		Pesdo R2 (%)

## ۲- نتایج بخش کیفی تحقیق

بر اساس نتایج، در بسترها و زمینه‌های ترک تحصیل دختران روستایی، چهار مقوله‌ی اصلی از میان داده‌ها استخراج شد که شامل عوامل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در جدول ۳، مضامین اصلی و زیرمقولات بدست آمده، گزارش شده است.

جدول ۳. عوامل و بسترهای ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل دختران روستایی

مضمون اصلی	مضمون مرکزی
فرار از خانواده نابسامان اعتیاد در خانواده عدم توجه والدین به تحصیل فرزند(دختر) اقتدار و سخت‌گیری والدین	عوامل خانوادگی
حفظ آبرو فرار از فشارهای اجتماعی عدم دسترسی به مراکز آموزشی	عوامل فرهنگی بسترها و زمینه‌های ترک تحصیل دختران روستایی
سطح پایین اقتصادی فقر و محرومیت ترس از مجردماندن ارتقای منزلت اجتماعی تاثیر گروه همسالان نابرابری جنسیتی محدودیت زنان در ورود به عرصه عمومی	عوامل اقتصادی عوامل اجتماعی

## ۲-۱ عوامل خانوادگی

**اعتیاد در خانواده:** در نمونه‌های بررسی نیز دخترانی که در خانواده‌هایی بزرگ شده بودند که پدر خانواده اعتیاد داشته به دلیل نگرانی از گزینش بعد از اتمام تحصیل و برای اشتغال، ترک تحصیل کرده و ازدواج کردند. برای نمونه، فائزه ۱۶ ساله می‌گوید:

«پدرم معتاد بود و من اصلاً بابام رو نمی‌دیدم. مادرم میگفت دختر آدم معتاد رو کسی نمی‌گیره. بعد می‌گفت اگه یکی اومد برو و زنش شو. او می‌گفت حالا اگه تو درس بخونی می‌خوای کجا رو بگیری».

**عدم توجه والدین به تحصیل دختر:** بی‌اهمیت انگاشتن تحصیل دختران و اهمیت یادگیری امور خانه، از علت ترک تحصیل اجباری دختران و ازدواج زودهنگام آن‌ها است. در این زمینه، معصومه ۱۷ ساله می‌گوید:

«تحصیلاتم پنجم دبستانه نداشتن درس بخونم. مادرم نمی‌گفت که حتماً باید بری مدرسه. می‌گفت ازدواج کنی بهتره اصلاً انگار درس خوندم برایشون مهم نبود».

**اقتدار و سخت‌گیری والدین:** اقتدار والدین و از جمله ترس از پدر، باعث شده است که دختران در مقابل نظرها و خواسته‌های والدین خود مخالفتی نکنند یا اگر هم مخالفتی داشته باشند، به خاطر ترس از این مخالفت، سکوت اختیار کنند و به تصمیمات پدر و مادر احترام بگذارند و حتی اگر نظر والدینشان بر ترک تحصیل و ازدواج باشد ترک تحصیل را ارجح می‌دانند و دچار ازدواج زودهنگام می‌شوند. در این زمینه، مریم ۱۷ ساله می‌گوید:

«از بابام می‌ترسیدم، بابام از پسرعموم خوشش می‌ومد و میگفت باید باهاش ازدواج کنم منم که درس خیلی خوب بود و شاگرد زرنگ کلاس‌مون بودم اما بابام می‌گفت که درس واسه چیه اگه بخوای کتاب دستت بگیری کتاب هاتو پاره میکنم منم که از بابام می‌ترسیدم قبول کردم مجبور بودم باید قبول می‌کردم چون هیچکس حق نداره رو حرف بابام حرف بزنه».

فاطمه ۱۷ ساله می‌گوید:

سامان اومد خواستگاریم هی می‌ومدن و میرفتن بابام گفت که باید ازدواج کنی همش می‌گفت هم سن و سال هات الان چندسال ازدواج کردن، بعد تو کتاب دستت گرفتی که اصلاً به دردت نمی‌خوره».



## ۲-۲ عوامل فرهنگی

براساس فرهنگ جامعه‌ی ایرانی، برقراری رابطه جنسی تا پیش از ازدواج، تابو تلقی می‌شود. براساس همین ملاحظات اخلاقی و حفظ آبرو است که خانواده‌ها به خود می‌بالند که می‌توانند زودتر از اطرافیان برای دختران نابالغ‌شان عروسی بگیرند، اما ترس اصلی حفظ آبروست. شرایط فرهنگی دیگر، که تحت تاثیر فرهنگ مسلط جامعه‌ی ایرانی نیز هست، به نابرابری جنسیتی برمی‌گردد. که زن «جنس دوم» به حساب می‌آید که از حقوق چندانی برخوردار نیست.

**حفظ آبرو:** حفظ آبرو دلیل بسیار مهم و تاثیرگذاری در ترک تحصیل و ازدواج زودهنگام دختران در محیط روستایی به شمار می‌آید که به اشکال مختلف نمود پیدا می‌کند. در برخی از موارد رفت و آمد زیاد یک خواستگار به خانه دختر می‌تواند منجر به ازدواج کودک شود و خانواده دختر نگران آبرو و اعتبارشان در مقابل همسایه‌ها و سایر آشناهای محلی می‌شوند. نقل قول‌های زیر نمونه‌هایی از این دست است. مهسا ۱۶ ساله می‌گوید:

«مامانم دوست داشت که من زود ازدواج کنم. می‌گفت حالا می‌بری بیای. می‌ترسید من برای خودم دوست پسر بگیرم و آبروی خونوادمو ببرم. همش می‌گفت نگه داشتن دختر تو این دور و زمونه خیلی سخته».

**دسترسی نداشتن به مراکز آموزشی:** دسترسی به مراکز آموزشی یکی از شاخص‌های درجه توسعه و دسترسی نداشتن به آن از عوامل توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی به شمار می‌آید. این مسئله یکی از مؤلفه‌های مهم نابرابری سکونتگاه‌های شهری- روستایی نیز به شمار می‌آید. مراکز آموزشی در سطوح مختلف (دبستان، راهنمایی و دبیرستان) علاوه بر تقویت گرایش زنان روستایی جهت ادامه تحصیل، بر بعد عینی کیفیت زندگی آنان نیز تأثیرگذار است. فاطمه ۱۷ ساله می‌گوید:

«من تا راهنمایی رو همین جا تو روستای خودمون خوندم. ولی برای دبیرستان باید می‌رفتم روستای دیگه. این طرح مدارس مجتمع بود. واسه همین بچه‌های چند تا روستا که تعدادشون کم بود باید تو یه مدرسه جمع می‌شدیم. پدرم اجازه نداد برم دبیرستان،

می‌گفت من نمیدونم اونجا با کی می‌گردی و...بابام بهم می‌گفت ازدواج کنی بهتره الان دیگه همسن و سالای تو بچه ام دارن».

مائده ۱۶ ساله می‌گوید:

«تو روستامون مدرسه نبود که بخوام برم. باید با سرویس می‌رفتم به روستای دیگه و بابام اجازه نداد بهم و گفت تا همین قد که خوندی کافیه. نمی‌تونم بفرستمت به جای دیگه که درس بخونی. می‌گفت دختر بره حالا به جای دیگه درس بخونه که چی بشه؟ دختر باید آخرش ازدواج کنه».

**فرار از فشارهای اجتماعی:** اجتماع محلی نسبت به دختران نگاه منفی داشته و آنان را به خاطر ازدواج نکردن در سن پایین زیر سوال می‌برند. نکته مهمی که در این زمینه از سوی برخی از مشارکت‌کنندگان تحقیق مورد تأکید قرار گرفت نگاه بد روستاییان به مجرد دختران و درس خواندن آنهاست. آنها معتقدند که بالا رفتن سن ازدواج در روستا فقط برای دختران امری مذموم است و آنها زیر نگاه سنگین جامعه قرار دارند که این امر ممکن است باعث شایعه پردازی‌ها و حرف و حدیث‌هایی در مورد دختران شود آنها به این دلیل که ممکن است در محافلی راجع به آنان به شایعاتی دامن زده شود، قبل از این امر ازدواج را برای خود اولویت می‌پندارند. ساحل ۱۷ ساله می‌گوید:

«تو روستا دخترا به ازدواج تو سن پایین‌تر عادت دارند و همین که دختری ۱۸ سالش بشه و شوهر نکرده باشه دیگه وای به حالشه. هر جا بری موضوع ازدواج تو میشه نقل و نبات مجلس بهت میگن ترشیده. اگرم به خواستگارت جواب ندی، حالا فکر می‌کنن حتما مشکلی داری و پشت سرت حرف می‌زنن. میگن دختر فلانی مونده. آگه هم بگی میخوام درس بخونم، میگن که اونایی که درس نخوندن بیکارن. دیگه ادم خسته میشه. میگه بابا هرکی اوامد برم فقط دیگه این حرفارو نشنوم. توی روستا، ازدواج حرف اول رو میزنه».

## ۲-۳ عوامل اجتماعی

ترس از مجرد ماندن: برای خانواده‌ها نیز افزایش سن ازدواج دختران‌شان پذیرفته شده نیست. افزایش سن ازدواج و خطر مجرد قطعی دختران روستایی باعث تشدید پیامدهای اجتماعی و روانی ناشی از آن، مانند ایجاد شرمساری و احساس حقارت و انزوا و زندگی حاشیه‌ای دختران می‌شود. ازدواج نکردن دختران روستایی افزون بر ایجاد فشارهای اجتماعی برای‌شان، موجب تحقیر و سرزنش خانواده‌ها نیز در جامعه می‌شود. افرادی که فرزند دختر دارند، فشار اجتماعی فراوانی را متحمل می‌شوند. آن‌ها نگران گسترش حرف‌ها و شایعات درباره دختران‌اند، زیرا جوامع روستایی طعنه‌های دیگران درباره عدم ازدواج دختران و حرف‌های مردم درباره عبور و مرور دختران به منظور یادگیری مهارت، تحصیل و اشتغال را بی‌آبرویی تلقی می‌کنند. مریم ۱۷ ساله می‌گوید:

*«ازدواج خیلی مهمه باید ازدواج کنی اگه ازدواج نکنی پس چیکار کنی؟ من هم به این خاطر به اولین خواستگارم با توصیه فامیل و آشنایان جواب مثبت دادم. آخه هرچقدرم می‌موندم و شوهر نمی‌کردم و درس می‌خواندم، خواستگار دیگه برام نمی‌اومد. بعد باید با یک مدرک می‌موندم خونه بابام. دخترکه سوادش بالا میره توقعاتش بالا میره و دیگه زن بسازی نمیشه. منم ازدواج کردم و ترک تحصیل کردم».*

**نابرابری جنسیتی:** در بین شرکت‌کنندگان مصاحبه این امر مشهود بود که بافت سنتی خانواده برای جنس مذکر اهمیت فراوانی قائل است به دلیل آنکه پسر خانواده در بزرگسالی مزیت اقتصادی دارد و عصای دست والدین محسوب می‌شود. از این رو دختر نوعی سربار خانواده محسوب می‌شود و با توجه به جامعه‌پذیری متفاوت دو جنس پسر و دختر در جامعه روستایی دختران به شیوه‌های متفاوتی اعم از فراگرفتن و آموزش نقش‌های بزرگسالی آماده می‌شوند و خانه‌داری در الویت نسبت به تحصیل در این‌گونه جوامع قرار دارد. مهدیه ۱۶ ساله می‌گوید:

*«تو روستای ما آزادی دختران تو رفت و آمد کاملاً محدوده و نمیتونی بگی میخوام درس بخونم، اما پسرا میتونن درس بخونن. اگر که بخوان چون تو روستا پسرا عصای پیری*

خانواده شناخته می‌شند بابام می‌گفت که درس رو باید داشت بخونه که بره دستش رو جایی بند کنه. تو درس رو واسه چی میخوای بخونی؟ تو که نمیتونی بری سرکار و خرجی هم که با تو نیست. به جای درس خوندن به مامانت کمک کن به چیزی یاد بگیری که به درد آینده و زندگیت بخوره».

الهام ۱۷ ساله می‌گوید:

«مامانم می‌گفت باید ازدواج کنی و نباید درس بخونی. تو درس بخونی کجارو میخوای بگیری؟ پاشو آشپزی کن فردا که گرفتنت پشت سرمون و هفت جدمون فحش ندن بگن باین دختر بزرگ کردنت! اما به داداشم به زور می‌گفت باید درس بخونی به کارهای بشی تا چشم حسود دربیاد. منم ازدواج کردم و دیگه درسم نخوندم».

**ارتقای منزلت اجتماعی:** دیدگاه مردم نسبت به این که دختران این است که باید زود ازدواج کنند و اگر این امر اتفاق افتد و دختران همسو با این هنجارها باشند مورد تایید و احترام مردم این منطقه می‌شوند و منزلت اجتماعی پیدا می‌کنند دختران اذعان دارند که با ازدواج کردن ارج و قرب پیدا می‌کنند و اگر در خانه بمانند و ازدواج نکنند و یا اینکه به تحصیل ادامه دهند به مثابه فردی سرکش تلقی می‌شوند که هنجارهای جامعه سنتی را زیر پا گذاشته‌اند. مهیا ۱۶ ساله می‌گوید:

«اینجا اگه دختر زود ازدواج کنه مردم خوب نگاهش میکنن. چون که اینجا زود ازدواج کردن رسمه و هر کی دیر ازدواج کنه یا درس بخونه و بگه نميخوام زود ازدواج کنم، خیلی بد نگاهش میکنن، پشت سرش حرف میزنن، با حالت تحقیر نگاهش میکنن. چون میگن دختر باید ازدواج کنه و هر کی زود ازدواج کنه از نظر مردم دختر خوبیه».

**تاثیر گروه همسالان:** در نمونه‌های بررسی شده تمام دختران، قبل از ازدواج دوستان صمیمی داشتند که متاهل شده بودند. به عبارت دیگر در یک گروه دوستی، دوستان نزدیک تنها به فاصله چند ماه از یکدیگر ازدواج کرده بودند. با این کار هم اعتماد به نفس بیشتری خواهند داشت هم به نوعی می‌توانند ضامن حفظ رابطه دوستی شان شوند زیرا در برخی موارد شوهران

تنها مایل بودند که همسرانشان با دوستان متاهل شان در رفت و آمد باشند. در این خصوص، سارا ۱۶ ساله می‌گوید:

«من چند تا دوست داشتم که ازدواج کرده بودند حسودیم میشد به زندگی‌شون. همیشه با نامزدشون بودن، خوش بودن. بیرون خرید و ... هیچ خبری از گیر دادن‌های خانواده هم نبود. شوهرشونم بهشون گیر نمی‌داد دروغ نیست آگه بگم نسبت به زندگی‌شون و آرامش‌شون احساس حسادت داشتم. فکر می‌کردم آگه درس رو ول کنم و منم ازدواج کنم، آرامش پیدا می‌کنم. دیگه علاقه به درس خوندم کم شده بود. فکر می‌کردم آگه ازدواج کنم شاید بشه اونجا درس خوندم. اما حالا انقد مسئولیت گردنمه که اصلا به درس نمی‌تونم فکر کنم».

**محدودیت زنان در ورود به عرصه عمومی:** دختران مشارکت‌کننده در تحقیق به خوبی از عدم شکل‌گیری عرصه‌های عمومی سخن به میان می‌آورند که امکان گفت‌وگو و ورود به فضای مردانه را، که بازتر است و عمومیت بیشتری دارد، سلب کرده است. فاطمه ۱۷ ساله می‌گوید:

«تو گوش من از کلاس ششم می‌خواندن که فلان رفتار رو کنی، کسی نمیاد بگیرت. همش می‌گفتن باید خونه‌داری یاد بگیری و آنقد تو گوش‌مون می‌خوانن که هدفی جز ازدواج نداریم. حتی آگه ما درس بخونیم که نمیزارن، اجازه کار کردن بهمون نمیدن و میگن زن باید تو خونه بمونه و کارهای خونه رو انجام بده و بچه‌داری یاد بگیره».

#### ۴-۲ عوامل اقتصادی

**سطح پایین اقتصادی خانواده:** در بسیاری از مواقع با وقوع فقر، والدین بودن دختران را هزینه و بار اضافی بر هزینه خانوار محسوب کرده و با ازدواج او نه تنها بار هزینه را می‌کاهند، بلکه گاه با ازدواج دخترشان با افراد مسن‌تر می‌توانند به زندگی اقتصادی و اجتماعی دختر و حتی خودشان نیز سامان بهتری دهند. در این اجتماعات ازدواج برای خانواده دختر به نوعی امتیاز اقتصادی نیز محسوب می‌شود. مهسا ۱۶ ساله می‌گوید:

«مامانم می‌گفت الان شرایط طوری شده که اکثر پسرا و خانواده‌هاشون دنبال دختری می‌گردند که پولدار باشه. اگه بخوای درس بخونی، ستم میره بالا دیگه هیشکی نمیداد بگیرت».

**فقر و محرومیت:** در بیشتر مواقع، خانواده‌ها ازدواج کودکان را راهی برای برون رفت از فقر و محرومیت‌های مادی می‌دانند. آن‌ها در اکثر موارد بی توجه به اختلاف سن فاحشی که بین کودک و همسر آینده اش وجود دارد، توجه خود را به وضعیت مالی که می‌تواند تضمین کننده رفاه کودک باشد معطوف می‌سازند. در همین ارتباط، ساحل ۱۷ ساله می‌گوید:

«پدرم یه کارگر تو روستا بود. در روستای ما هم که صنعت نبود که بره درآمد بهتر از کارگری و کار بر روی زمین مردم به دست بیاره. به زور نون خونه رو درمی آورد. واقعاً نمی‌تونست خرج تحصیل ما رو بده. من هم به خاطر پدرم دیگه ازدواج کردم و دیگه درس نخوندم».

### بحث و نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شیوع ترک تحصیل دختران ۱۷-۱۵ ساله در مناطق روستایی حدود سه برابر مناطق شهری است. همچنین، براساس نتایج، نسبت ازدواج دختران در دوره متوسطه دوم در مناطق روستایی بیش از دو برابر مناطق شهری است. بخش زیادی از تفاوت‌های روستا-شهری ترک تحصیل دختران ناشی از شیوع بیشتر ازدواج زودهنگام در مناطق روستایی است. این نتیجه با نتایج سایر مطالعات نظیر چودهاری (۲۰۰۴) و بنگاسی و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. از اینرو، ازدواج نقش زیادی در ترک تحصیل دختران روستایی دارد. نتایج رگرسیون لجستیک نیز نشان داد دخترانی که ازدواج کرده‌اند، حدود ۱۷ برابر بیشتر از افراد ازدواج نکرده احتمال ترک تحصیل دارند. از اینرو، همان‌طور که نتایج بخش کمی نشان داد ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. از اینرو، هر سه فرضیه مطرح شده در این مطالعه تایید شد. از اینرو، بر اساس نظریه نوسازی ویلیام گود، با ورود مشخصه‌های نوسازی به جوامع سنتی، تغییر و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود. بر پایه‌ی

این دیدگاه، نهاد خانواده نیز هم به لحاظ ساختی و هم به لحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود و ازدواج و الگوهای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب، شهرنشینی موجب افزایش اشتغال به تحصیل دختران و کاهش ازدواج زودهنگام می‌شود.

علاوه بر این‌ها، رویکرد کیفی پژوهش در پی آن بود به این پرسش پاسخ دهد که عوامل مرتبط با ترک تحصیل دختران با میانجی متغیر ازدواج زودهنگام در مناطق روستایی کدامند؟ جهت یافتن پاسخ به کودک زنانی رجوع شد که به صورت واقعی و عینی، ازدواج در دوران کودکی را تجربه کرده بودند. کودک-زنانی که هنوز سن مرز بین کودکی و بزرگسالی، یعنی سن ۱۸ سال، را رد نکرده بودند. یافته‌های به دست آمده نشان داد با وجود تمام تغییرات اجتماعی و فرهنگی که در اثر مدرنیته و نوسازی به وجود آمده است، منطقه‌ی شهن‌آباد توانسته است ساختار سنتی خود را حفظ کند و خانواده هنوز از قدرت بالایی در ازدواج دادن فرزندان برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جامعه‌ی سنتی از جمله منطقه‌ی شهن‌آباد، وجود مردسالاری می‌باشد که قدرت به طور مطلق در اختیار وی می‌باشد و سایر اعضای خانواده حق اظهار نظر در مورد امور و مسائل را نداشته و باید تحت تبعیت مرد خانواده قرار بگیرند. تصمیم‌گیری در مورد جواب رد یا مثبت دادن به خواستگاران نیز بر عهده‌ی مرد خانواده بوده و آنان هستند که در مورد سن ازدواج دختران تصمیم‌گیری می‌نمایند. ترس از گسست پیوندهای خویشاوندی در مواردی که خواستگاران دارای نسبت خویشاوندی با آنان هستند و نیز ترس از نداشتن خواستگار در آینده و برچسب ترشیده خوردن در صورت ازدواج نکردن به تقویت چرخه‌ی ازدواج زودهنگام دامن زده و بر شدت و سرعت این پدیده افزوده است. در مناطق روستایی، نظیر منطقه مورد بررسی، خانواده با محدود کردن نقش‌های جنسیتی دختران و تقلیل آن به نقش همسری و مادری نه تنها باعث تقویت ایدئولوژی خانه‌نشینی می‌شود، بلکه با محدود کردن عرصه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی، عملاً شکل‌گیری شخصیت دختران را مطابق با الگوهای مورد نظر خود طراحی می‌کند. بنابراین دختر از همان کودکی می‌آموزد که در آینده باید همسر و مادر باشد و بر روی این

نقش‌ها متمرکز می‌شود. یکی دیگر از عوامل جامعه‌پذیری این دختران، گروه همسالان است؛ بدین معنا که دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند مورد تقلید سایر همسالان قرار می‌گیرند و ارزش‌های نقش آنان که ریشه در ارزش‌های جامعه دارند مورد یادگیری سایرین قرار می‌گیرند. همچنین از نظر مصاحبه‌شوندگان، به تاخیر افتادن سن ازدواج دختران و ادامه‌ی تحصیل آنان نه تنها سودی برای‌شان ندارد بلکه هزینه‌هایی را در پی دارد. هزینه‌هایی که آنان باید در اثر ازدواج نکردن در سنین پایین بپردازند این است که فرصت ازدواج در آینده را از دست می‌دهند، حرف و حدیث‌ها، نگاه‌های تحقیر آمیز مردم و عیب‌جویی‌های آنان موجب خدشه دار شدن شخصیت این دختران و نیز در معرض خطر قرار گرفتن آبروی خود و خانواده‌شان شده و در میان مردم تنزل جایگاه می‌یابند. برعکس، ازدواج زودهنگام موجب ارتقای منزلت اجتماعی دختران شده و نوعی احساس غرور و افتخار برای آنان به همراه دارد. بدین دلیل که در این جامعه زن جوان ارزشمند است و افراد تمایل به گزینش دختران جوان دارند با این ایدئولوژی که زنان جوان مدت زیادی را شاداب و زیبا می‌مانند و شخصیت شکل نگرفته‌ای دارند و به راحتی می‌توانند آنان را مطابق میل خود تربیت کنند.

نتایج بخش کیفی پژوهش نشان داد که دیکته شدن قواعد و هنجارهای قومی-فرهنگی در این منطقه در حوزه‌ی ازدواج و سن ازدواج نیز می‌باشد و تخطی از این هنجارها عواقبی سنگین از جمله طرد شدن، تنزل جایگاه اجتماعی و برچسب ترشیدگی و داغ ننگ اجتماعی است در مقابل ازدواج زودهنگام یک ارزش اجتماعی محسوب شده و افرادی که همسو با این ارزش‌ها باشند ارزشمند تلقی شده و ارتقای جایگاه می‌یابند. نتایج این بخش از پژوهش با مطالعات افتخارزاده (۱۳۹۴)، صفوی و مینایی (۱۳۹۴)، فرضی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸)، روحانی و همکاران (۱۳۹۸)، چودهداری (۲۰۰۴)، رومبل و همکاران (۲۰۱۸)، استینهوس و همکاران (۲۰۱۹) و بنگاسی و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود دختران و خانواده‌های آنان از پیامدهای ازدواج زودهنگام آگاه شوند و تغییر در نگرش و فرهنگ کودک‌همسری در مناطق روستایی به



وجود آید. به نحوی که دیگر هویت و منزلت اجتماعی دختران با ازدواج زودهنگام دختران تعیین نگردد. این امر مستلزم آموزش از طریق مشاوران مدارس به دختران و نیز تشکیل جلسات مشاوره و آموزش نیز برای والدین آنان می‌باشد.

### تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته توسعه روستایی است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از پیشنهادات و نظرات اصلاحی داور محترم پایان‌نامه و داوران محترم مقاله که نقش زیادی در بهبود کیفیت مقاله داشتند، تشکر و قدردانی خود را ابراز می‌نمایند.

### منابع

احمدی، کامیل (۱۳۹۶). *طنین سکوت: پژوهشی جامع درباب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران*، تهران: نشر شیرازه.

افتخارزاده، سیده‌زهرا (۱۳۹۴). "تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام". *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۵۶-۱۰۸.

رحمت‌زهی، خدانظر، و کبری سعیدی (۱۳۹۷). "بررسی ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان دختر و افت تحصیلی آنان". مقاله ارائه شده در یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، ۱۱ تیرماه ۱۳۹۷، تهران.

روحانی، علی، عباس عسکری‌ندوشین و زهرا قرقچیان (۱۳۹۸). "برهمکنش درونی‌شدن ازدواج زودهنگام و مقاومت‌های پیش‌روی آن در میان زنان مهاجر افغانستانی مقیم شهر یزد". *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۱۶-۱۷۷.

صادقی، رسول، علی محمد قدسی، جواد افشارکهن (۱۳۸۶). "واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل". *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۳.

صفوی، حناهدسادات؛ ماه‌گل مینایی (۱۳۹۴). "تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل)". *پژوهش‌نامه زنان*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۰۶-۸۷.

عسکری‌ندوشن، عباس، علی روحانی و زهرا قرقچیان (۱۳۹۸). "بسترهای مردسالارانه رویداد ازدواج زودهنگام در میان زنان مهاجر افغان مقیم شهر یزد". *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۷۸-۱۱۰.

عسکری‌ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی‌شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). "مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد". *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۴۴، صص ۳۶-۷.

فرضی‌زاده، زهرا، مهدی طالب، محمود متوسلی (۱۳۹۶). "بررسی موانع تحصیلی دختران روستایی: پژوهشی کیفی". *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۲۹، صص ۱۳۴-۱۱۵.

کردزنگنه، جعفر (۱۳۹۰). "بررسی میزان و عوامل مؤثر بر ازدواج زودرس در ایران". *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۸۸.

معیری، محمد طاهر (۱۳۷۶) *مسائل آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Battin-Pearson, S., M. D. Newcomb, R. D. Abbott, K. Hill, R. Catalano., and J. D. Hawkins (2000). Predictors of Early High School Dropout: A Test of Five Theories, *Journal of Educational Psychology* 92(3): 568- 582.

Bengesai AV, Amusa LB, Makonye F (2021) The Impact of Girl Child Marriage on the Completion of the First Cycle of Secondary Education in Zimbabwe: A Propensity Score Analysis. *PLoS ONE* 16(6): e0252413. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0252413>

Chowdhury, F.H. (2004). The Socio-cultural Context of Child Marriage in a Bangladeshi Village, *International Journal of Social Welfare*, 13(3): 244-253.

Good, W., J. (1963). *World Revolution and Family Pattern*. New York: Free Press .

Roby, J. L., M. j. Lambert, and J. Lambert (2009). Barriers to Girls' education in Mozambique at Household and Community Levels: An Exploratory Study. *International Journal of Social Welfare*, 18, 342-353.

Rumble, L., A. Peterman, N. Irdiana, M. Triyana, and E. Minnick (2018). An Empirical Exploration of Female Child Marriage Determinants in Indonesia, *BMC Public Health* 18, <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5313-0>

Savitridina, R. (1997). Determinants and Consequences of Early Marriage in Java, Indonesia, *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2): 25-48.

Steinhaus, M., L. Hinson, T. Rizzo, A. Gregowski (2019). Measuring Social Norms Related to Child Marriage Among Adult Decision-Makers of Young Girls in Phalombe and Thyolo, Malawi, *Journal of Adolescent Health* 64(4): S37-S44.